

<div>فرمان روزنامه‌صبح‌ایران</div> <div>چهارشنبه‌اول اردیبهشت۱۳۹۵۱۲ رجب ۱۴۳۷شماره ۱۹۳۴</div>

همزمان با اول اردیبهشت روز ملی سعدی، امروز همایش علمی «از گلستان من بر روی» به مدیریت گروه زبان و ادب فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی ساعت ۱۱ تا ۱۲ در تالار چایی این دانشکده برگزار می‌شودودکتر سید جواد مرتضایی، دکتر غلامرضا صدیق‌لوری و امیر الهامی باموضوعات «از بلاغت و نحو طبیعی کلام سعدی»، «اندیشه‌های اجتماعی در گلستان او» سعدی و رستاخیز و آگان» سخنرانی می‌کنند.

<div>به مناسبت سالگرد در گذشت ملک الشعراء بهار</div>

<div><div>•••</div></div>
دکتر سلمان ساکت
<div>استاد یار دانشگاه فردوسی مشهد</div>

یاد بهار

محمدتقی بهار معروف به «ملک‌الشعراء بهار» در ۱۳ ربیع الاول سال ۱۳۰۴ ق. در مشهد دیده به جهان گشود. او در کودکی علاوه بر خواندن و نوشتن، قرآن را نیز فراگرفت و همزمان شاهنامه و صد کلمه رشیدالدین وطواط را هم خواند که این همه تأثیر بسزایی در پرورش قریحه شعری او داشت. در ۱۸ سالگی پدرش را که ملک‌الشعراء آستان قدس‌ضوی بود از دست دادو پس از مدتی بنابر سنت جاری و به‌پشتوانه مدیحه‌ای که سروده بود، به جای پدر لقب «ملک‌الشعراء» به او داده شد. وی از همان سال های جوانی فعالیت های سیاسی و مطبوعاتی خود را آغاز کرد و با خواندن کتاب ها و مجلات جدید مصری، با افکار و اندیشه های نو آشنا شد و در سال ۱۳۲۴ ق. به مشروطه خواهان پیوست. بهار در طول عمر پر بار و البته پر فراز و نشیب خود، چندین روزنامه انتشار داد، در چندین دوره مجلس به نمایندگی از مردم شهرهای مختلف انتخاب شد، به دلیل مبارزات سیاسی، چندین بار به تبعید فرستاده شد، چندین اثر مهم و ماندگار منتشر کرد و دهها مقاله و یادداشت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی در روزنامه ها و مجلات مختلف به طبع رساند. او در سال ۱۳۱۴ خورشیدی به عضویت «فرهنگستان ایران» درآمد و در همان سالها در دانشسرای عالی و بعد از مدتی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تدریس مشغول شد. او حتی به وزارت رسید و عهده دار وزارت فرهنگ شد، اما در ۱۳۲۶ خورشیدی به بیماری سل مبتلا شد و پس از چندسال دست و پنجه نرم کردن با بیماری، در اول اردیبهشت ۱۳۳۰ چشم ***

بهار را آخرین قصیده سرای واقعی زبان فارسی خوانده اند؛ چرا که اغلب صاحب نظران بهترین قصاید زبان فارسی را متعلق به سده های پنجم و ششم هجری و سرآمد آن را فرخی، منوچهری، ناصر خسرو، مسعود سعد، سنایی، انوری و خاقانی می دانند و بعد از آن، کمتر برای قصیده فروغ و درخشش قابل توجهی قائلند. در حقیقت از سده هفتم تا دوره قاجار، قصیده ریز سرای غزل قرار گرفته بود و قصاید برجسته و ماندگار، بسیار کم و شاید به اندازه انگشتان دو دست سروده شده باشد. حتی در دوره بازگشت ادبی که شماری از شاعران به سبک خراسانی و قصیده سرایی روی آورد، به سده های باز هم شکوه و هیمنه قصاید سده های پنجم و ششم تکران نشد، چرا که سروده های آنان از حد تقلید صرف فراتر نرفت و از «هنده و پیژ» و جمال شناسی خاص قصیده به کلی بر کنار بود. در این میان تنها استثنا ملک الشعراء بهار است که هر چند در قریب به اتفاق قالب های شعری طبع آزمایی کرده و بعضا شعر های خوب و ماندگار می در آن قالب ها از خود به یادگار گذاشته است، اما تبحر خاص او در قصیده سرایی بوده و اگر از چند غزل و تصنیف به یادماندنی او بنگریم، اشعار مشهور و زبانزد وی همه در این قالب سروده شده اند.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار را آخرین قصیده سرای واقعی زبان فارسی خوانده اند؛ چرا که اغلب صاحب نظران بهترین قصاید زبان فارسی را متعلق به سده های پنجم و ششم هجری و سرآمد آن را فرخی، منوچهری، ناصر خسرو، مسعود سعد، سنایی، انوری و خاقانی می دانند و بعد از آن، کمتر برای قصیده فروغ و درخشش قابل توجهی قائلند. در حقیقت از سده هفتم تا دوره قاجار، قصیده ریز سرای غزل قرار گرفته بود و قصاید برجسته و ماندگار، بسیار کم و شاید به اندازه انگشتان دو دست سروده شده باشد. حتی در دوره بازگشت ادبی که شماری از شاعران به سبک خراسانی و قصیده سرایی روی آورد، به سده های باز هم شکوه و هیمنه قصاید سده های پنجم و ششم تکران نشد، چرا که سروده های آنان از حد تقلید صرف فراتر نرفت و از «هنده و پیژ» و جمال شناسی خاص قصیده به کلی بر کنار بود. در این میان تنها استثنا ملک الشعراء بهار است که هر چند در قریب به اتفاق قالب های شعری طبع آزمایی کرده و بعضا شعر های خوب و ماندگار می در آن قالب ها از خود به یادگار گذاشته است، اما تبحر خاص او در قصیده سرایی بوده و اگر از چند غزل و تصنیف به یادماندنی او بنگریم، اشعار مشهور و زبانزد وی همه در این قالب سروده شده اند.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

یوستری برای پادشاه سخن



بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

«بهارد شیشه گران» یوستری را به مناسبت فرارسیدن سالروز بزرگداشت سعدی طراحی کرد. این گرافست در متنی که همه را این پوستر در اختیار خبرنگار سرویس هنرهای تجسمی اسپنآفر داده، نوشته است: «هر ساله اول اردیبهشت شیفنگان شعر و هنر در بزرگداشت مردی چون سعدی، شاعر بزرگ ایران و جهان در شیراز گرد هم می آیند تا سالروز را گرامی بدارند. من نیز به پاس امروز و آفرینش های ستودنی شاعر بزرگ مان، پوستر ی را پیشکش می کنم به پادشاه سخن سعدی که از مجموعه مشاهیر ایران و جهان من است. سعدیا! چون تو کجا نادره و گفتاری هست؟ یا چو شیرین سخت نخل شکر باری هست؟ طاعت آن نیست که بر خاک نهی پیشانی صدق پیش آر که اخلاص به پیشانی نیست»

هتل توریست توس
<div><div><div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div> جشن، عروسی، ولیمه، سمینار، همایش و ...</div> <div>ویژه اعیاد رجب و شعبان</div> <div>فقط تا اول ماه مبارک رمضان</div> <div>فوق العاده</div> <div>افتاح کافه باغ و آلاچیق های هتل همزمان با جشن میلاد امام علی (ع) و روز پدر</div> <div>بزرگراه آسیایی بعد از پل قائم</div> <div>۳۶۶۵۴۰۸۲-۳ (داخلی ۳۰۰)۰۹۱۵۳۵۹۳۸۰۰</div>



بزرگداشت سعدی

امروز در دانشگاه فردوسی

به مناسبت اول اردیبهشت یادروز سعدی

سهم سعدی در سپهر ادبیات ایران

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

اول اردیبهشت جلالت یادآور شاعری توانا، شیرین سخن، عاشق مشرب و اخلاق گرای است که نامش برای همه جهانیان آشناست. در این روز که در سال شمار ایرانی به عنوان روز ملی سعدی ثبت شده است، علاوه بر سعدی به شیراز که به ر اجه بهار رانج شعر و کلام او آغشته است، صیت سخشن در گوشه گوشه این سرزمین هم گسترانیده شده است. ما نیز در این مجال پای سخن دکتر قیامتی، استاد دانشگاه نشستیم و با طرح چند پرسش از سهم سعدی، ویژگی های ممتاز او، زبان معیار او و اینکه زود نامش در جهان پیچید و اگر سعدی نبود چه اتفاقی در سپهر ادبیات ایران می افتاد گفتیم و شنیدیم.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

دکتر علیرضا قیامتی

۱- جایگاه سعدی
(دکتر جمیل سعدی که در افواه عوام افتاده و سخشن که بر بسط زمین رفته و قصب الحیب حدیثش که چون شکر می خورد و رقعہ منشآتش که چون کاغذ ر می برند) بدون شک سعدی یکی از ستارگان بی بدیل آسمان ادب ایران، بلکه از افتخارات مشرق زمین به شمار می آید. سعدی به همراه فردوسی، مولانا و حافظ از ارکان شعر و فرهنگ ایران بزرگ فرهنگ است. اگر فردوسی با شاهنامه فرهنگ، هویت و زبان فارسی را ماندگار کرد، اگر مولانا عرفان اسلامی و ایرانی را بر تارک ادب جهانی مطرح ساخت، اگر حافظ عشق و غزل و احساس را به آسمان هارساند، شعر و سخن سعدی زیباترین آموزه های زندگی اجتماعی و تربیت اخلاقی را در کام جان فرهنگ ایرانی و جامعه انسانی فرو ریخت و در وی نصیحت را به شهد ظرافت در آمیخت و سخن خود را به گوش فطرت انسان هازمرمه کرد.

آثار سعدی، به ویژه گلستان طی قرون متمادی کتاب درسی کلیه مدارس حوزه کهن زبان فارسی و مدرسه های اسلامی به شمار می آمده است. سعدی نه تنها شاعر و نویسنده ای است که شعر و کم نظیر، بلکه روانه ای است خردمند که به قله های علوم دینی، اخلاق و حکمت دست یافته و آثار جاودان خود را که گنجینه دانش و معرفت و عشق و حاصل یک عمر دانش آموزی و تبحر به اندوزی او بوده را به هم میهنان خود تقدیم داشته است.

سعدی در بوستان و گلستان نیکخواهی، اندرز گرای و خیر اندیشی را در بستری از کلام دلنشین خود همراه می کند و عواطف انسان گرایانه و دادگری اش را فریاد می کند. روح سعدی نشنه عدالت و بیزار از ظلم و سورش از محبت نسبت به فرودستان و دستگیر از نیازمندان و دلجوئی در ممدندان است. او حتی در قصاید ستایش خود اصول اخلاقی و انسانی را زیر پا نگذارده، بلکه فضیلت ها و نیکیوی ها را ستوده و پادشاهان را به آن فرا خوانده است.

دوام دولت و آرام مللکت خواهی ثبات و راحت و امن و مزید عزت و جاه کمر به طاعت و انصاف و عدل و داد بپند چودمت منت حق بر سرت نهاد کند. عشقی که هم ستایشگری های او تملق نیست اندرز است.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

پرونده روز

					
					
					
					
					
					

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار در کودکی، ۱۳۰۴ ق.

بهار